از بیداری اسلامی تا جنبش‌های منطقه‌ای

بیداری اسلامی عنوان سلسله قیام‌هایی است که پس از سال ۲۰۱۱ در کشورهای عربی رخ داد. این قیام‌ها از نیمه دوم سال ۱۳۸۹ شمسی شروع شد. نخستین جرقه این اتفاقات با خودسوزی یکی از جوانان معترض در تونس زده شد. موج قیام‌ها پس از آن در مصر، لیبی، یمن و بحرین ادامه یافت. این قیام‌ها در تونس، مصر، لیبی و یمن منجر به سرنگونی حکومت شد و در بحرین، نبرد میان مردم و حکومت همچنان ادامه دارد.

رهبر انقلاب با تحلیل ماهیت این قیام‌ها آن را بیداری اسلامی نامیدند؛ زیرا مردم این کشورها به‌دنبال تحقق خواسته‌های خود براساس اسلام هستند و مبنای حرکت خود را اسلام قرار داده‌اند.

چهره‌های سکولار از این حرکت‌ها با تعابیری همچون بهار عربی یاد می‌کنند. اما آنچه از این مهم‌تر است اینکه دستگاه سلطه غرب خیلی زود توانست این حرکت‌ها را مصادره و در بعضی کشورها مانند سوریه حتی آن‌ها را راه‌اندازی کند.

کشورهایی که این نهضت‌ها در آن‌ها شروع شد علاوه بر قرار گرفتن در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، روی مخازن انبوه نفت و گاز هم هستند. نفت و گازی که غرب همواره برای آن نقشه داشته است.

زوم

بحران برنامه‌ریزی شده

بشار جعفری، معاون وزیر خارجه سوریه در بیانیه‌ای در شورای حقوق بشر اظهار کرد: سوریه از سال ۲۰۱۱ با یک جنگ تروریستی برنامه‌ریزی‌شده و اشغال بخشی از خاکش توسط بیگانگان و استمرار حمایت طرف‌های خارجی از گروه‌های تروریستی مواجه است و این چالش‌های بزرگ پیامدهای فاجعه‌باری برای وضعیت حقوق بشر در سوریه داشته و تحمیل تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه بر سوریه از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا بر شدت و وخامت آن افزود.

گفت‌وگوی ویژه

قدس

کامل فاضل
تحلیلگر سوریه‌ای

جواد فراهانی | ۱۰ سال پیش در چنین ایامی مجموعه‌ای از جنبش‌ها، اعتراضات و آشوب‌ها و یا اقدامات مسلحانه در برخی از کشورهای عربی شاخ آفریقا مانند تونس، مصر، لیبی و... علیه حکومت این کشورها آغاز شد که از آن با عنوان «بهار عربی» یاد می‌شود. آن زمان در گزارش‌های خبری و رسانه‌ای، علت این اعتراضات، دیکتاتوری رژیم‌های حاکم، عامل آن ملت‌های خشمگین از این رژیم‌ها و اهداف این اعتراضات برقراری دموکراسی، حقوق بشر، عدالت و موضوعات انسانی یاد می‌شد. اکنون پس از گذشت ۱۰ سال از آغاز این اعتراضات، آیا دموکراسی در کشورهای عربی برقرار شده و حقوق بشر در همه این کشورها رعایت می‌شود؟ به بهانه ۱۰ سالگی این جنبش‌ها و شروع آن‌ها در سال ۲۰۱۱ با «سامر کامل فاضل» کارشناس مسائل انرژی و تحلیلگر سیاسی سوری صحبت کرده‌ایم.

تحلیلی متفاوت از تحلیلگر سوری
همزمان با ۱۰ سالگی جنبش‌های مردمی در کشورهای اسلامی

بهار عربی با چاشنی تبادلات انرژی

او به تبیین ریشه‌ها، اهداف و عوامل راهبردی بهار عربی پرداخته و می‌گوید: سال‌های بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ سال‌های جنگ انرژی نام گرفته و سند انرژی صادر شده توسط کنگره آمریکا در آن زمان که نتیجه تصمیم اتخاذ شده برای اجرای توافق‌نامه «کیوتو» بود، گواه این ادعاست. توافق‌نامه کیوتو که در سال ۱۹۹۷ در ژاپن به امضا رسید، مبنی بر کاهش انتشار گازهای سمی ناشی از کارخانه‌های کشورهای صنعتی غرب بود تا ارزان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین گاز با کمترین سطح تأثیر بر گرمای جهانی همراه با کاهش انتشار گازهای سمی جایگزین آن شود. طبیعتاً روسیه در صدر ذخایر جهانی گاز قرار دارد، سپس ایران، قطر، قزاقستان، ترکمنستان، ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی، امارات و نیجریه در جایگاه بعد قرار می‌گیرند.

کامل فاضل با اشاره به اینکه آن زمان روسیه به عنوان تولیدکننده نخست گاز در جهان، گاز مورد نیاز قاره اروپا را تأمین می‌کرد، می‌افزاید: اما در همین نقطه، آمریکا با متهم کردن روسیه به استفاده از گاز به‌عنوان اهرم فشار بر کشورهای اروپایی به استفاده سیاسی از اصطلاح گاز متوسل شد. به‌همین دلیل ایالات متحده شتابزده با اعلام خط لوله گاز «نابوکو» تلاش کرد مسیر گاز روسیه به اروپا را مسدود کند تا سلطه این کشور بر بازار گاز اروپا را در هم شکند. خط لوله نابوکو از آسیای مرکزی در قزاقستان و ازبکستان و ترکمنستان شروع می‌شود و به سمت غرب تا دریای خزر و آذربایجان و سپس گرجستان و ترکیه و بلغارستان به اروپا به‌دور از خاک روسیه امتداد می‌یابد.

■ **سوریه و حیفا؛ دو نقطه راهبردی**

این تحلیلگر سوری توضیح می‌دهد: اما این همه ماجرا نبود، خط لوله نابوکو تنها محدود به گازرسانی به اروپا نبود، بلکه هدف دیگری نیز داشت و آن انتقال گاز از طریق ترکیه و سوریه و از جنوب لبنان به «حیفا» در سرزمین‌های اشغالی بود. چنانچه وزیر انرژی وقت رژیم صهیونیستی از توافق با ترکیه که شریک واقعی در این خط لوله گاز بود، خبر داد. این توافق کمی قبل از جنگ ژوئیه ۲۰۰۶ صورت گرفت، جنگی که هدف آن اخراج حزب‌الله از جنوب لبنان در راستای خدمت به پروژه انتقال گاز بود، اما شکست سختی متحمل شد.

وی با اشاره به اینکه برای راه اندازی خط لوله گاز دیگری از قطر از طریق عربستان سعودی و دریای سرخ به عسقلان و سپس به حیفا برنامه ریزی شده و قرار بود بازار آزاد گاز در دریای مدیترانه باشد و سپس خط دیگری از این خط لوله از طریق اردن، سوریه و سپس ترکیه به سمت اروپا منشعب شود، اضافه کرد: ایران هم آمادگی لازم برای راه اندازی خط لوله گازی به طول ۳ هزار و ۲۰۰ کیلومتر از ایران به عراق و سوریه را برای تأمین گاز اروپا از طریق دریای مدیترانه اعلام کرد. بانگاهی به همه این تئوری‌ها متوجه می‌شویم سوریه به مهم‌ترین گره این خطوط لوله متضاد در سراسر محورهای بین‌المللی و گره اقتصاد جهانی در آینده تبدیل شده است.

■ **اختلاف کشورهای اروپایی و جرقه «بهار عربی»**

کامل فاضل ادامه می‌دهد: از سوی دیگر، در قاره آفریقا، در سال ۲۰۰۹ قراردادی بین شرکت روسی «گازپروم» و نیجریه برای ساخت پالایشگاه‌های گاز در این کشور و گسترش خط لوله گاز از طریق لیبی و ایتالیا به اروپا در دوران برلوسکنی امضا شد. برکناری برلوسکنی که موافقت خود را با این پروژه اعلام کرده بود و ارتباط نزدیک وی با «معمر قذافی» دیکتاتور پیشین لیبی اتفاقی تصادفی نبود! چنانچه ظهور گروه افراطی «بوکوحرام» در آن زمان در شمال نیجریه و انجام اولین عملیات تروریستی این گروه همزمان با امضای توافق‌نامه شرکت گازپروم روسیه با نیجریه روی خط لوله گاز مذکور موضوعی تصادفی نبود، بلکه آن‌ها می‌خواستند با ظهور این گروه تروریستی عملاً اجرای پروژه گاز مذکور را ناممکن سازند. طبیعتاً سرنگونی رژیم «زین العابدین بن علی» در تونس و رژیم «معمر القذافی» از جمله پیامدهای ناشی از توطئه برای شکست پروژه گاز بود. این تحلیلگر سوری با بیان اینکه بررسی تقاطع این خطوط لوله گاز و جنگ شدید بین کشورهای بزرگ برای کنترل مهم‌ترین شریان‌ها و رگه‌های اقتصاد جهانی در سال‌ها و دهه‌های آینده نشان می‌دهد جرقه بهار عربی در حادثه خودسوزی «محمد بوعزیزی» جوان تونسی در پی اعتراض به شرایط سخت معیشتی زده نشد، تصریح می‌کند: هیزم اصلی این آتش لحظه‌ای بود که غرب از این حادثه برای آغاز طرح خود موسوم به بهار عربی بر اساس فهرست آمریکا برای طبقه‌بندی کشورها به‌عنوان دیکتاتور، سرکوبگر و عدم احترام به حقوق بشر استفاده کرد. این تحلیلگر عربی ادامه می‌دهد: ایده بهار عربی برای تغییر رژیم‌های عربی یا اجرای دموکراسی و رعایت حقوق بشر نبود بلکه هدف، رسیدن به نقطه اصلی جدایی یعنی سوریه بود که اصلی‌ترین گره درگیری در جنگ خطوط لوله گاز محسوب می‌شد. از این رو هم‌گرایی ترکیه و قطر با سوریه قبل از شروع بهار عربی یعنی پیش از سال ۲۰۱۱ و سفرهای «رجب طیب اردوغان» و «حمد آل ثانی» امیر قطر به سوریه برای متقاعد کردن رهبری آن در راستای عملی شدن پروژه خط لوله گاز قطر از طریق سوریه و ترکیه به اروپا به‌وجود آمد. اما مخالفت رهبری سوریه با این طرح موجب ایفای نقش ترکیه در حوادث بهار عربی به ویژه برای سرنگونی دولت سوریه و ورود هزاران تروریست مسلح از ملیت‌های مختلف در سراسر خاک این کشور شد.

■ **مهم‌ترین نتایج ۱۰ ساله «بهار عربی»**

این تحلیلگر سوری در پایان اضافه می‌کند: می‌توان گفت پروژه بهار عربی به طرز چشم‌گیری در فقیرشدن مردم کشورهای هدف و وخامت وضعیت اقتصادی آن‌ها، دامن زدن به روح نزاع و جنگ در میان فرزندان آن‌ها و گسترش سلاح و هرج و مرج در بینشان موفق بوده، اما در سطح راهبردی، بهار عربی در تحقق اهداف مورد نظر از جنگ‌هایی که برای آن‌ها به بهانه دموکراسی و حقوق بشر برنامه‌ریزی شده بود، ناکام ماند. اتاق فکرهای سازمان سیا و متحدانشان برنامه‌های بزرگی را برای این بهار عربی در راستای پیروزی در جنگ اقتصادی واقعی در خطوط لوله گاز و انرژی طراحی و اجرا کردند که البته محور مقاومت نیز از درک راهبردی این واقعیت دور نبود و برای مبارزه با این طرح، وارد میدان شد و قطعاً در هر حوزه‌ای که آمریکا و متحدانش بخواهند تخریب کنند، در صحنه حاضر خواهد شد.

آگهی مناقصه (عمومی)
نوبت اول
شرکت گاز استان خراسان رضوی

«آگهی مناقصه عمومی شماره ۲۰۰۰۰۲۰۰۰۵۲۶۵۰۰۰۰۲»

شهرداری تبریز

مدارس شاخه پیشتاز آموزش و پرورش در اجرای سند تحول بنیادین باشند